

3-27-1969

Kārawān, 1348-01-07, 1969-03-27

Abdul Haq Waleh

Ṣābahuddiñ Kushkakī

Follow this and additional works at: <https://digitalcommons.unomaha.edu/karawan>

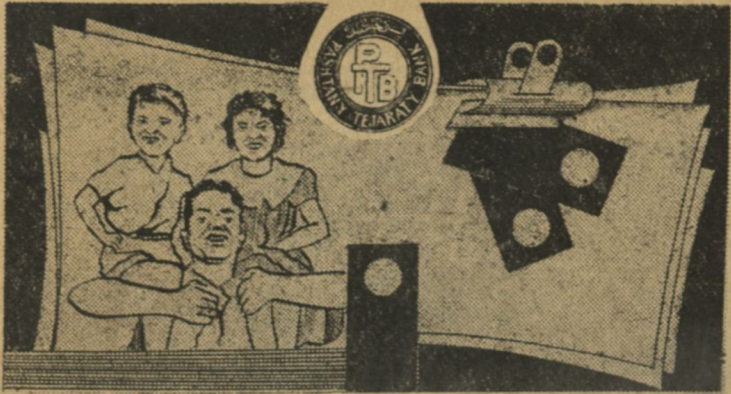
 Part of the [Asian History Commons](#)

Recommended Citation

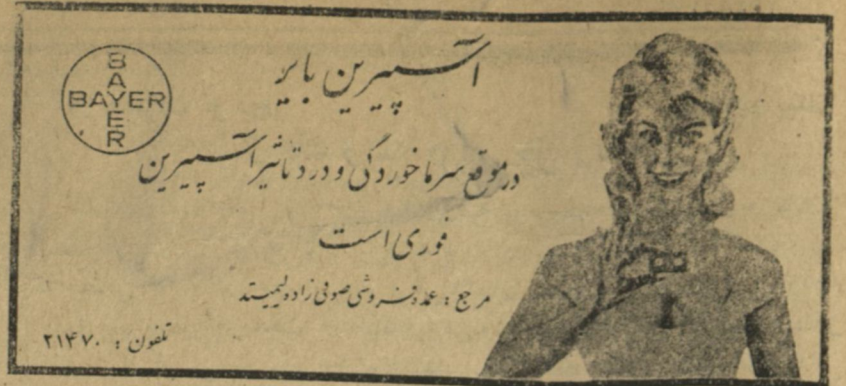
Waleh, Abdul Haq and Kushkakī, Ṣābahuddiñ, "Kārawān, 1348-01-07, 1969-03-27" (1969). *Kārawān*. 224.
<https://digitalcommons.unomaha.edu/karawan/224>

This Book is brought to you for free and open access by the Digitized Newspaper Archives at DigitalCommons@UNO. It has been accepted for inclusion in Kārawān by an authorized administrator of DigitalCommons@UNO. For more information, please contact unodigitalcommons@unomaha.edu.





کاروان



دوهم کال ۱۵۶ گنه

پنجشنبه دحل ۷-۱۳۴۸

دمحرم الحرام ۹-۱۳۸۸

دمارچ ۲۷-۱۹۶۹

موسسه ملل متحد بر شکایت اردن علیه اسر ائیل بحث کرد

نیو یارک ۷ حمل:
دیشب مجلس امنیت موسسه ملل متحد بنا بر شکایت اردن تشکیل جلسه داده بود. جلسه اخیر اسر ائیل برخاک آن کشور بحث نمود. اسر ائیل در یک موضع سرحدی اردن بمباری نموده بر نفوس ملکی با راکت فیر کرده بود که در اثر آن بیست نفر هلاک و بیست نفر دیگر مجروح گردید. اسر ائیل اظهار داشته که هدف حمله آن از بین بردن یکصد پیروان الفتح بود.

صدراعظم انگلستان امروز به نایجیریا سفر کرد

لندن ۷ حمل:
هیرا لد و بلسن صدراعظم انگلستان امروز عازم نایجیریا گردید. وی قبل از حرکت به نمایندگان جراید اظهار داشت که منظور او از این سفر میانجیگری بین حکومت مرکزی نایجیریا و ولایت تجزیه طلب بیا فرا نیست بلکه میخواهد مراتب تأسف مردم انگلستان را در باره جنگ داخلی آن کشور و مخصوصاً بمباری بر افراد ملکی اظهار کند. و بلسن گفت خیلی خوش خواهد شد بین گاون ز عیم نایجیریا و کر نیل او جو کو پیشوای بیا فرا ملاقاتی صورت بگیرد و مسأله را بین خودشان حل کنند.

یک کشتی انگلیسی هنگام سفر و بلسن در نایجیریا در بندر لیگاس لنگر انداز می باشد تا از وسایل مخا برآتی آن درآخذ و از سال اطلاعات و هدایت استفاده بعمل آید.

پود گورنی در الجزیره از طرف هزاران نفر باحرارت استقبال شد

الجزیره ۷ حمل:
نیکلای پد گورنی صدر هیات رئیس اتحاد شو روی هنگام مواصلت به الجزایر از طرف هزاران نفر از اهالی باحرارت استقبال گردید. وی با بو محی الدین رئیس جمهور الجزایر ملاقات و مذاکره ای انجام داده مخصوصاً را جمع به انکشاف تجارت بین دو کشور تبادل افکار نمود.

قزاق است پد گورنی با همراهان خود هفته آینده به المغرب سفر کند.

جنرال آیزنهاور در مقابل معالجه همکاری نشان نمیدهد

واشنگتن ۷ حمل:
آخرین ابلاغیه در باره وضع صحی جنرال آیزنهاور میرساند که جسم این رئیس جمهور سابق در مقابل معالجه همکاری نشان نمیدهد. و این خطرناک ترین مرحله بیماری یک مرد معمر می باشد. جنرال ۷۸ ساله امریکا در اثر حمله قلبی در شفاخانه والتر رید واشنگتن داخل بستر شده بود.

تصحیح

در مضمون منتشره صفحه دوم شماره دیروزی کلمه ذکا به زکا تصحیح شود.

دروینز ویلا حزب کمونیست غیر قانونی اعلام شد

کراس ۷ حمل:
حکومت وینز ویلا حزب کمونیست آنکشور را به اتهام دهشت افکنی غیر قانونی اعلام داشت. حزب مذکور پنج سال قبل نیز غیر قانونی اعلام گردیده بود اما بنابر فشار یک بر حکومت آنوقت وارد آمد، فعالیت آنرا در چوکات معینی اجازه داد.

وینز ویلا در حالیکه از نظر نفت بسیار غنی می باشد هنوز هم عده زیادی از مردم آن بحال فقر و فلاکت بسر می برند.

یک چارک لاجورد غیر قانونی بدست پولیس کابل افتاد

سارقین آنها برده نمیشود. **سال نو و کشف لاجورد قاچاقی**
در اوایل سال ۱۳۴۸ باز هم توجه پولیس کابل را واقعاً لاجورد بخود جلب کرده است در حالیکه از واقعات گذشته خبری نیست، معلوم شود که از نتایج آخرین تحقیقات چه بدست می آید، زیرا مردم علاقه دارند

یک چارک لاجورد که بقول یک منبع یک پولیس کابل توسط شخصی بنام عبدالقیوم ساکن و لسوالی پنجشیر به کابل آورده شده بود، بدست پولیس ولایت کابل افتاده است. **عامل اصلی فریب خورد**

خبر نگار ما از سر ما موریت قوماندانی امنیه ولایت کابل اطلاع میدهد که در جریان تحقیقات مقدّماتی معلوم شد که اصلاً لاجورد را عبدالقیوم با خود به کابل آورده است ولی سه روز قبل سه نفر بنام های خلیل، جنیل و تاج محمد به عنوان اینکه لاجورد ها دزدیده شده و آنها مکلف به گرفتار کردن عامل آن میباشند، با عبدالقیوم بنای مجادله را گذاشته و او را مجبور ساختند لاجورد ها را به آنها بسپارد و خودش در صدد جاره کار بر آید تا اگر ممکن باشد، آنرا به شکلی از اشکال دوباره تصاحب کند.

فریب دهندگان توقیف شدند

در خلال این واقعه پولیس باغ علی مردان از موضوع اطلاع حاصل می کند که به اساس آن نخست در صدد بدست آوردن لاجورد و آنها نیکه خود را مسئول گرفتار کردن عبدالقیوم وانمود کرده بودند، برآمده بعد از سه روز جستجو، سه نفری که خود را به اسم خلیل، جنیل و تاج محمد معرفی نموده اند بپا و به ما موریت احضار شدند. سپس عبدالقیوم را بدست آورده تحت تحقیق قرار داد.

لاجورد در بین خریطه پلاستیکی
خبر نگار ما می نویسد لاجورد که شامل یک تعداد بارچه های خرد و بزرگ می باشد و در بین خریطه پلاستیکی بسته شده است تاروشن شدن حقایق نزد پولیس محفوظ نگه داشته خواهد شد.

خبر نگار ما علاوه می کند که در طول سال گذشته نیز یکی دو نفر به اتهام آوردن لاجورد از طرف پولیس کابل دستگیر شده اند ولی **سرنوشت دزدان لاجورد معلوم نمیشود** معلوم نیست که متهمین با وجود داشتن جرم مشهود چه کرده اند. در یکی از این واقعات یک مقدار لاجورد که از معدن بدخشان دزدیده شده بدست پولیس افتاده بود تحقیقات آن در امریت جرایم متفرقه دوام داشت.

«قاچاقبران لاجورد» عنوان خبرها

در خلال پنج سال گذشته یک مقدار زیاد لاجورد به وسایل مختلف به کابل منتقل گردید که حتی بعضی جراید پس از کشف موضوع از طرف پولیس، آنرا تحت عنوان قاچاق لاجورد انتشار دادند.

خبر نگار ما می نویسد که فعلاً در هیچ یکی از شعبات مربوط ولایت کابل نامی از قاچاقبران لاجورد و یا

پاکستان اسلحه مردم پشتونستان محکوم را جمع آوری نمی کند ترس از مقاومت شدید مردم

ولی را پور های دیگر حاکیست که میدان هوایی داکه، مرکز پاکستان شرقی هنوز هم مسدود است. رادیو آسترا لیا از قول نماینده خود از کراچی گفت به محمد ایوب خان رئیس جمهور سابق پاکستان سه ماه وقت داده شده است از مملکت خارج گردد. اقامت گاه وی اکنون تحت نظارت شدید می باشد. نماینده رادیو آسترا لیا گفت ممکن است عنقریب شو رای انقلابی برای اداره مملکت تشکیل شود. در واشنگتن یک تفاق امریکایی گفت در حال حاضر روابط حکومت امریکا با حکومت موجود پاکستان دوام خواهد کرد. در عین حال در پاکستان حکومت نظامی بعضی از متخلفین را به اعدام تهدید نموده و گفته شده که در ظرف دو روز گذشته صد ها نفر از طرف قوای عسکر گرفتار شده اند.

رئیس جمهور امریکا تادیبه ۱۰ فیصد محصول را از طرف مردم تائیکسالت می دهد

واشنگتن ۷ حمل:
ریچارد نکسن رئیس جمهور امریکا ده فیصد محصولی را که مردم آن کشور از عایدات خالص خود می برد از ندر بنام سر چارچ یاد میشود تائیکسالت دیگر تمدید کرد.

این محصول را حکومت لندن جانسن وضع کرده بود تا از مدرك آن مصارف روز افزون جنگ ویتنام را تلافی کند در حالیکه مردم طبعاً به آن موافقت نداشتند.

ریچارد نکسن اظهار داشت که تادیبه این محصول باعث می شود از تورم بولی جلوگیری بعمل آید. مصارف جنگ ویتنام درین اواخر روز ۱۶۴ میلیون دالر گفته شده بود در حالیکه پروگرامهای خود امریکا از قبیل مجادله علیه فقر در یکصد ایالات و تخریب عمارات فرسوده در سراسر آن کشور پهناور به بول ضرورت دارد.

تحریکات مربوط به پشتونستان طغیان زیادی نموده بود در اخذ اسلحه مردم این منطقه اقدام کند با مقاومت شدید مردم مواجه خواهد شد. از طرف دیگر بر نشر اخبار مربوط به واقعات پاکستان سانسور شدید وضع گردیده است. نماینده آژانس خبررسانی فرانس پرس نوشته است که وی بغیر از اخبار مربوط به والیبال و باسکتبال دیگر چیز را نمی تواند را بوریدهد. رادیو پاکستان در سر ویس امروز صبح خود صرف چند دقیقه را در قسمت اخیر پروگرام خبرها وقف واقعات پاکستان کرد.

رادیو گفت او ضاع در مؤسسات صنعتی در پاکستان شرقی بحال سرحدی تقاضا نشده است اسلحه شانرا به مقامات پاکستانی تسلیم دارند.

خبر نگار کاروان مینگارد که این خود محدودیت صلاحیت حکومت نظامی پاکستان را در مناطقی پشتونستان محکوم نشان میدهد. چه هرگاه حکومت جدید التاسیس نظامی پاکستان از مردم آزادی خواه پشتونستان که درین اواخر در آنجا

رئیس جمهور امریکا با وزیر خارجه هسپانیه در باره اجاره پایگاه های هسپانوی موافقه کردند

واشنگتن ۷ حمل:
ریچارد نکسن رئیس جمهور امریکا با کاستیلا وزیر خارجه هسپانیه مذاکرات خود را در باره اجاره دادن پایگاه های هسپانوی به امریکا خاتمه داد. در نتیجه این مذاکرات هسپانیه موافقه کرده است یکصد باره ای بحری و هوائی را در خاک خود برای پنج سال به امریکا اجاره بدهد. مذاکرات سابق در اثر تقاضای کمک های مالی از طرف هسپانیه به ناکامی انجام میده بود. قرار داد اجاره پایگاه های مورد ضرورت امریکا دیروز خاتمه یافت.



CARAVAN

سرقت ها و پولیس

روزی نمیگذرد که در جر ایراپور نازی درباره يك ياجند واقعه سرقت در کابل یا اطراف آن نشر نشود.

منظور از نشر چنین اطلاعات البته تشبیه کسانی است که امکان دارد آینده به دزدی بپردازند.

اینکه دزدان ما بهمان سرعتیکه دزدی میکنند بهمان سرعت بچنگ پولیس گرفتار می شوند دو چیز را نشان میدهد:

۱- دزدان ما از دزدکی و مهارت بی بهره اند یا پولیس ما نهایت در چه فعال و ذرننگ است.

اگر بگوئیم چیزی گندم تر و چیزی آسیا تیز است از حقیقت دور نشده خواهیم بود.

اگر پولیس ما امروز به کمک جمهوریات اتحادی المان خیلی مجهز شده و هر سال يك تعداد جوانان فهمیده و باادرس به جامعه تقدیم میکند. این تحصیل یافتگان روز بر روز و زود به خود را بلند می برند چنانچه عده از آنها تا حال به جمهوریات متحد عربی رفته تکتیک های جدید را آموخته اند و عده دیگر در جمهوریات اتحادی المان تحصیل میکنند.

از طرف دیگر سوسیالیست دزدان متوازی به پولیسان بلند رفته است اگر چه گاهی یکعده با موثرترین سرقت می پردازند اکثریت آنها هنوز هم به سیستم قدیم و با افزار ابتدائی از قبیل اسکنه، یکه چوب و غیره بتزدی می پردازند.

ازین سبب جای تعجب نیست که پولیس ما از پولیسان دیگر زودتر به کشف جرایم و توقیف مجرمین موفق میگردد.

موضوع دیگری که حایز بسا اهمیت است همکاری بین مردم و پولیس می باشد. در سابق عادت بود اگر کسی گوهز شهوار خود را نیز از دست میداد به پولیس مراجعه نمیکرد و تا اندازه حق هم داشت.

پولیس «اولسی» ما هر کسی را که به آن مراجعه میکرد مورد سوا ل قرار داده میخواست نام و آدرس شخص مظنون را بدهد.

بسیاری از مراجهان برین رویه می خندیدند که اگر بداند سارق شان کیست، فوراً نام گرفته براو عرض میکنند.

در موارد دیگر، پولیس طور ی بامراجهان پیش آمد میکرد که گوئی خود شان مال خود را دزدیده اند.

البته يك عده قضا یائی صورت گرفته که دران اشخاص بنابر عادت با افراد دیگر يك قسمت از دارائی منقول خود را پنهان کرده و يك یا چند نفر مخالف خود را به اتساع دزدی مجبور ساخته اند اما این دلیل شده نمیتواند که تمام افراد یا قسمت اعظم آن بصرای تضعیف مخالفان خود به این کار دست بزنند یا اینکه تمام افراد مخصوصا در شهرها چنین مخالفان یا دشمنانی داشته باشند.

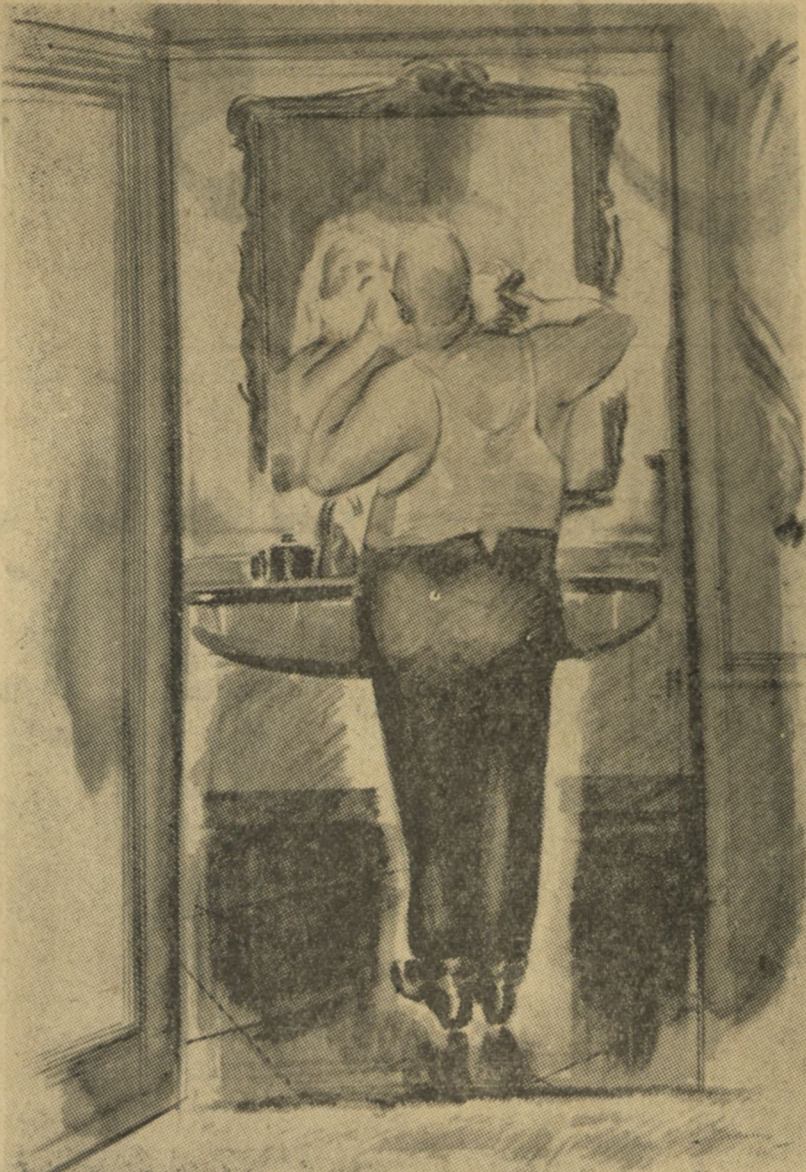
امروز پولیس قراین و اما رات جرم را توسط لبراتورادریافته با شواهد و مدارك قوی مجرم را کشف و حقوق افراد را اعاده میکند.

چون اطمینان مردم روز بروز به پولیس زیاد شده می رود، یقیناً ست هر قدر بر تعداد دزدان و خس دزدان در اثر مضیق اقتصادی اضافه شود، پولیس به بازداشت آنها خواهد پرداخت.

اما هیچ پولیس در هیچ کشوری قادر نیست جنایت را ذایل کند تا اینکه طبیعت بشر تغییر ننماید.

موضوع مهم این است که پولیس در ولایات نیز لبراتورادری خود را دایر سازد و آنجا که لبراتورادری موجود است، فعال ساخته شود.

ملاحظه دیگر اینکه پولیس ما مثل افراد ملکی معاش میگرد و مانند سر باز کار میکند. در حالیکه هر لحظه حیات آنها در مقابله با جنایت کاران در مخاطره می باشد، باید به ترتیبی از ترتیب ها زندگی ایشان نیز مطابق معیار های محیطی تا مین گردد.



زنکه، تق زده، شوشت هاره او کندی! آله بیان که کدام جای خود زنه !!

از خاطرات نو روز يك زینه برای چل زینه

شندیم بنده خدا روز اول سال رفته بود کندهار تا اطفال و مادرشان یکی دوروز تفریح کرده باشند. باید دو سه روزی آنجا میماندند تا بعضی جاها را میزدند و لی ناگهان شب همان روز اول او را در جاده میوند دیدم. عجب مذاکره بین من و او رخداد. حیث استخوانندگان کاروان از آن بی نصیب بماندند. اینک ببینید و بخوانید و بدانید که من چیزی را از شما پنهان نمیکنم.

– سلام جناب بنده خدا... کجا بودی؟

– کندهار رفته بودم.

– چه وقت آمدی؟

– همین حالا از سر و پس پایان شدم.

– خوب... چرا بعجله روانستی؟

– آنها در انتظار من میباشند.

– کی در انتظار تو میباشند؟

– خانم و اطفال.

– خانم و اطفال کجا هستند؟

– در کندهار معطل من میباشند.

– تو پس میروی کندهار؟

– بلی فوراً میروم...

– چطور آمدی؟

– برای خریدن يك زینه!

– زینه را چه میکنی؟

– برای چل زینه!

– يك زینه برای چل زینه؟

– بلی... بلی... يك زینه کلان.

– چه میکنی زینه را؟

– برای تماشا چل زینه میبرم!

– برای تماشا چل زینه، يك زینه را میبری؟

– اگر لازم نمیدانی يك زینه را نمیبرم. همان چل زینه را میآورم!!

– کجا می آری؟

– اختیار شما، یا به کندهار یا به کابل!

– چرا به کابل؟ در همان کندهار خوب است...

– خوب بود... ولی حالا نیست...

– چطور یعنی؟؟

– یعنی که چل زینه سابقا در کندهار بود ولی حالا نیست!

– بنده خدا... مرا دیوانه ساختی... چه میگوئی!!

– خیر نمیگویم!!

– نی... بگو... مقصد چیست؟

– مقصد آنکه چل زینه را توسط يك زینه از آن بلندی بیاورم!

– چرا پایان کنی؟

– تا هم خانم و اطفال من ببینند و هم مردم!!

– حالا دیده نمیشود.

– چرا؟ مادر همان بلندی و همان کندهار دیده ایم.

– شما دیدید... ولی ما دیده نتوانستیم!!

– چرا دیده نتوانستید بنده خدا...

– شما خیلی عجله دارید. کمی تفصیل بدهید:

– مختصر عرض میکنم زیرا میروم که زینه بخرم... چل زینه يك جای تاریخی و قابل دیدن در کندهار بود. انحصار آن دور و پیش آنرا تانک تیل ساخت. چل زینه در عقب آن آسان نیست. اجازه و اجازه بازی بکار دارد. سیاحان و مسافران که ذوق تماشا دارند، وقت ندارند که عقب اجازه گرفتن بگردند. لهذا باتامس آنرا ندیده میروند و میگویند کاش بالا شده میتوانستیم و آنرا از نزدیک میدیدیم. اکنون من آمده ام که يك زینه خریده ببرم کندهار و چل زینه را یکبار پایان کنم. تا خانم و اطفال من آنرا تماشا نمایند و بعد یا آنرا پس بالا برده بجایش بمانم و یا به کابل بیاورم. آیا درین باره تو بمن کمک میتوانی؟

بقلم فیروزه

ملت از غیر حاضران و لسی جرگه می پرسد

چند روز متواتر است که در واژه تالار و لسی جرگه افغانستان در اثر «پای گریزی» عده زیادی از وکلای ملت مسدود میباشند اینک تا چه وقت این در واژه امید مردم بسته خواهد ماند معلوم نیست اما همیشه قدر فیه شده میتواند که بعضی از وکلای هنوز هم از خواب زمستانی بیدار نشده اند.

ملت می پرسد

چرا این وکلای خواب بیدار نمیشوند؟ چرا این مبلغین و زعمای ملی و حامیان منافع ملی به مسوولیت های حقیقی خود، از اینکه به تبلیغ وارشاد دیگران بپردازند، متوجه نمیشوند؟

حقیقت اینست که عدم موجودیت يك سیستم كنترول، مواخذه و بازخواست قانونی این وضع را بار آورده و لایحه و ظایف داخلی شورا که توسط همین شو رای فعلی طرح شده هیچ نوع پیش بینی برای جلوگیری از خود سری های اعضای شو را از گناه پابندی به حاضری ندارد. کتاب حاضری نیست تا وکلای آنرا امضا نموده و به اسامی آن هر وکیل معاش بگیرد.

ملت می پرسد

چرا برای وکلای کتاب حاضری نیست تا حاضر، حاضر معامله گردیده و غیر حاضر، غیر حاضر به اساس آن معاش و کلا اجرا شود؟ چرا این وکلای غیر حاضر از مسئولیتیکه برای شان طبق قانون اساسی افغانستان داده شده استقا ده حاضری نیستند معنی این مسئولیت

ملت می پرسد

چرا این معاش گزافی که میگیرد، يك وکیل چند ماه در سال به ملت خدمت میکند و خدمت فی ساعت در روز وی به مردم چند است؟ وکلا هفت ماه در سال کار میکنند. هر ماه چهار جمعه است که به این ترتیب شش ماه باقی میماند. از شش ماه نیز در هر روز بیشتر از شش ساعت در شو را نمیشوند و معمولاً بعد از صرف طعام چاشت عده از وکلای در تالار حاضری نمی شوند. آیا همه شان حاضر

ملت می پرسد

در مقابل این معاش گزافی که میگیرد، يك وکیل چند ماه در سال به ملت خدمت میکند و خدمت فی ساعت در روز وی به مردم چند است؟ وکلا هفت ماه در سال کار میکنند. هر ماه چهار جمعه است که به این ترتیب شش ماه باقی میماند. از شش ماه نیز در هر روز بیشتر از شش ساعت در شو را نمیشوند و معمولاً بعد از صرف طعام چاشت عده از وکلای در تالار حاضری نمی شوند. آیا همه شان حاضر

ملت می پرسد

چرا این معاش گزافی که میگیرد، يك وکیل چند ماه در سال به ملت خدمت میکند و خدمت فی ساعت در روز وی به مردم چند است؟ وکلا هفت ماه در سال کار میکنند. هر ماه چهار جمعه است که به این ترتیب شش ماه باقی میماند. از شش ماه نیز در هر روز بیشتر از شش ساعت در شو را نمیشوند و معمولاً بعد از صرف طعام چاشت عده از وکلای در تالار حاضری نمی شوند. آیا همه شان حاضر

ملت می پرسد

چرا این معاش گزافی که میگیرد، يك وکیل چند ماه در سال به ملت خدمت میکند و خدمت فی ساعت در روز وی به مردم چند است؟ وکلا هفت ماه در سال کار میکنند. هر ماه چهار جمعه است که به این ترتیب شش ماه باقی میماند. از شش ماه نیز در هر روز بیشتر از شش ساعت در شو را نمیشوند و معمولاً بعد از صرف طعام چاشت عده از وکلای در تالار حاضری نمی شوند. آیا همه شان حاضر

ملت می پرسد

چرا این معاش گزافی که میگیرد، يك وکیل چند ماه در سال به ملت خدمت میکند و خدمت فی ساعت در روز وی به مردم چند است؟ وکلا هفت ماه در سال کار میکنند. هر ماه چهار جمعه است که به این ترتیب شش ماه باقی میماند. از شش ماه نیز در هر روز بیشتر از شش ساعت در شو را نمیشوند و معمولاً بعد از صرف طعام چاشت عده از وکلای در تالار حاضری نمی شوند. آیا همه شان حاضر

ملت می پرسد

چرا این معاش گزافی که میگیرد، يك وکیل چند ماه در سال به ملت خدمت میکند و خدمت فی ساعت در روز وی به مردم چند است؟ وکلا هفت ماه در سال کار میکنند. هر ماه چهار جمعه است که به این ترتیب شش ماه باقی میماند. از شش ماه نیز در هر روز بیشتر از شش ساعت در شو را نمیشوند و معمولاً بعد از صرف طعام چاشت عده از وکلای در تالار حاضری نمی شوند. آیا همه شان حاضر

ملت می پرسد

چرا این معاش گزافی که میگیرد، يك وکیل چند ماه در سال به ملت خدمت میکند و خدمت فی ساعت در روز وی به مردم چند است؟ وکلا هفت ماه در سال کار میکنند. هر ماه چهار جمعه است که به این ترتیب شش ماه باقی میماند. از شش ماه نیز در هر روز بیشتر از شش ساعت در شو را نمیشوند و معمولاً بعد از صرف طعام چاشت عده از وکلای در تالار حاضری نمی شوند. آیا همه شان حاضر

ملت می پرسد

چرا این معاش گزافی که میگیرد، يك وکیل چند ماه در سال به ملت خدمت میکند و خدمت فی ساعت در روز وی به مردم چند است؟ وکلا هفت ماه در سال کار میکنند. هر ماه چهار جمعه است که به این ترتیب شش ماه باقی میماند. از شش ماه نیز در هر روز بیشتر از شش ساعت در شو را نمیشوند و معمولاً بعد از صرف طعام چاشت عده از وکلای در تالار حاضری نمی شوند. آیا همه شان حاضر

ملت می پرسد

چرا این معاش گزافی که میگیرد، يك وکیل چند ماه در سال به ملت خدمت میکند و خدمت فی ساعت در روز وی به مردم چند است؟ وکلا هفت ماه در سال کار میکنند. هر ماه چهار جمعه است که به این ترتیب شش ماه باقی میماند. از شش ماه نیز در هر روز بیشتر از شش ساعت در شو را نمیشوند و معمولاً بعد از صرف طعام چاشت عده از وکلای در تالار حاضری نمی شوند. آیا همه شان حاضر

ملت می پرسد

چرا این معاش گزافی که میگیرد، يك وکیل چند ماه در سال به ملت خدمت میکند و خدمت فی ساعت در روز وی به مردم چند است؟ وکلا هفت ماه در سال کار میکنند. هر ماه چهار جمعه است که به این ترتیب شش ماه باقی میماند. از شش ماه نیز در هر روز بیشتر از شش ساعت در شو را نمیشوند و معمولاً بعد از صرف طعام چاشت عده از وکلای در تالار حاضری نمی شوند. آیا همه شان حاضر

ملت می پرسد

چرا این معاش گزافی که میگیرد، يك وکیل چند ماه در سال به ملت خدمت میکند و خدمت فی ساعت در روز وی به مردم چند است؟ وکلا هفت ماه در سال کار میکنند. هر ماه چهار جمعه است که به این ترتیب شش ماه باقی میماند. از شش ماه نیز در هر روز بیشتر از شش ساعت در شو را نمیشوند و معمولاً بعد از صرف طعام چاشت عده از وکلای در تالار حاضری نمی شوند. آیا همه شان حاضر

ملت می پرسد

چرا این معاش گزافی که میگیرد، يك وکیل چند ماه در سال به ملت خدمت میکند و خدمت فی ساعت در روز وی به مردم چند است؟ وکلا هفت ماه در سال کار میکنند. هر ماه چهار جمعه است که به این ترتیب شش ماه باقی میماند. از شش ماه نیز در هر روز بیشتر از شش ساعت در شو را نمیشوند و معمولاً بعد از صرف طعام چاشت عده از وکلای در تالار حاضری نمی شوند. آیا همه شان حاضر

ملت می پرسد

چرا این معاش گزافی که میگیرد، يك وکیل چند ماه در سال به ملت خدمت میکند و خدمت فی ساعت در روز وی به مردم چند است؟ وکلا هفت ماه در سال کار میکنند. هر ماه چهار جمعه است که به این ترتیب شش ماه باقی میماند. از شش ماه نیز در هر روز بیشتر از شش ساعت در شو را نمیشوند و معمولاً بعد از صرف طعام چاشت عده از وکلای در تالار حاضری نمی شوند. آیا همه شان حاضر

ملت می پرسد

چرا این معاش گزافی که میگیرد، يك وکیل چند ماه در سال به ملت خدمت میکند و خدمت فی ساعت در روز وی به مردم چند است؟ وکلا هفت ماه در سال کار میکنند. هر ماه چهار جمعه است که به این ترتیب شش ماه باقی میماند. از شش ماه نیز در هر روز بیشتر از شش ساعت در شو را نمیشوند و معمولاً بعد از صرف طعام چاشت عده از وکلای در تالار حاضری نمی شوند. آیا همه شان حاضر

ملت می پرسد

چرا این معاش گزافی که میگیرد، يك وکیل چند ماه در سال به ملت خدمت میکند و خدمت فی ساعت در روز وی به مردم چند است؟ وکلا هفت ماه در سال کار میکنند. هر ماه چهار جمعه است که به این ترتیب شش ماه باقی میماند. از شش ماه نیز در هر روز بیشتر از شش ساعت در شو را نمیشوند و معمولاً بعد از صرف طعام چاشت عده از وکلای در تالار حاضری نمی شوند. آیا همه شان حاضر

ملت می پرسد

چرا این معاش گزافی که میگیرد، يك وکیل چند ماه در سال به ملت خدمت میکند و خدمت فی ساعت در روز وی به مردم چند است؟ وکلا هفت ماه در سال کار میکنند. هر ماه چهار جمعه است که به این ترتیب شش ماه باقی میماند. از شش ماه نیز در هر روز بیشتر از شش ساعت در شو را نمیشوند و معمولاً بعد از صرف طعام چاشت عده از وکلای در تالار حاضری نمی شوند. آیا همه شان حاضر

ملت می پرسد

چرا این معاش گزافی که میگیرد، يك وکیل چند ماه در سال به ملت خدمت میکند و خدمت فی ساعت در روز وی به مردم چند است؟ وکلا هفت ماه در سال کار میکنند. هر ماه چهار جمعه است که به این ترتیب شش ماه باقی میماند. از شش ماه نیز در هر روز بیشتر از شش ساعت در شو را نمیشوند و معمولاً بعد از صرف طعام چاشت عده از وکلای در تالار حاضری نمی شوند. آیا همه شان حاضر

ملت می پرسد

چرا این معاش گزافی که میگیرد، يك وکیل چند ماه در سال به ملت خدمت میکند و خدمت فی ساعت در روز وی به مردم چند است؟ وکلا هفت ماه در سال کار میکنند. هر ماه چهار جمعه است که به این ترتیب شش ماه باقی میماند. از شش ماه نیز در هر روز بیشتر از شش ساعت در شو را نمیشوند و معمولاً بعد از صرف طعام چاشت عده از وکلای در تالار حاضری نمی شوند. آیا همه شان حاضر

ملت می پرسد

چرا این معاش گزافی که میگیرد، يك وکیل چند ماه در سال به ملت خدمت میکند و خدمت فی ساعت در روز وی به مردم چند است؟ وکلا هفت ماه در سال کار میکنند. هر ماه چهار جمعه است که به این ترتیب شش ماه باقی میماند. از شش ماه نیز در هر روز بیشتر از شش ساعت در شو را نمیشوند و معمولاً بعد از صرف طعام چاشت عده از وکلای در تالار حاضری نمی شوند. آیا همه شان حاضر

ملت می پرسد

چرا این معاش گزافی که میگیرد، يك وکیل چند ماه در سال به ملت خدمت میکند و خدمت فی ساعت در روز وی به مردم چند است؟ وکلا هفت ماه در سال کار میکنند. هر ماه چهار جمعه است که به این ترتیب شش ماه باقی میماند. از شش ماه نیز در هر روز بیشتر از شش ساعت در شو را نمیشوند و معمولاً بعد از صرف طعام چاشت عده از وکلای در تالار حاضری نمی شوند. آیا همه شان حاضر

ملت می پرسد

چرا این معاش گزافی که میگیرد، يك وکیل چند ماه در سال به ملت خدمت میکند و خدمت فی ساعت در روز وی به مردم چند است؟ وکلا هفت ماه در سال کار میکنند. هر ماه چهار جمعه است که به این ترتیب شش ماه باقی میماند. از شش ماه نیز در هر روز بیشتر از شش ساعت در شو را نمیشوند و معمولاً بعد از صرف طعام چاشت عده از وکلای در تالار حاضری نمی شوند. آیا همه شان حاضر

ملت می پرسد

چرا این معاش گزافی که میگیرد، يك وکیل چند ماه در سال به ملت خدمت میکند و خدمت فی ساعت در روز وی به مردم چند است؟ وکلا هفت ماه در سال کار میکنند. هر ماه چهار جمعه است که به این ترتیب شش ماه باقی میماند. از شش ماه نیز در هر روز بیشتر از شش ساعت در شو را نمیشوند و معمولاً بعد از صرف طعام چاشت عده از وکلای در تالار حاضری نمی شوند. آیا همه شان حاضر

ملت می پرسد

چرا این معاش گزافی که میگیرد، يك وکیل چند ماه در سال به ملت خدمت میکند و خدمت فی ساعت در روز وی به مردم چند است؟ وکلا هفت ماه در سال کار میکنند. هر ماه چهار جمعه است که به این ترتیب شش ماه باقی میماند. از شش ماه نیز در هر روز بیشتر از شش ساعت در شو را نمیشوند و معمولاً بعد از صرف طعام چاشت عده از وکلای در تالار حاضری نمی شوند. آیا همه شان حاضر

اگر باز ن خود جنگ کنی بحال هر دویتان مفید است

ترجمه از نایم

اوقتی که زن یا شوهر دقت نمایند که از زیر کمر بند باین تر حمله ننمایند و اگر تصادفاً یکی منطقه ممنوعه را فراوان موش کرد، دیگری باید فریاد براند «سمال که فول است»

۷- بگو شید بعد از جنگ جملاتی را از قبیل «عقده دلت تر کید» استعمال نکنید.

وقتی زن و شوهر در تکنیک های جنگ استاد شدند دیگر خود را ناشی احساس نخواهند کرد.

نویسنده کتاب «دشمن شیرین» میگوید «نظامی مثل مشت جنگی نیست بلکه به رقص شباهت دارد که در آن مهارت طرفین یکدیگرشان کم میکند» ایشان اظهار میدهند که جنگ با آشنا بان، بیشتر یا نه و گمانیکه انسان آرزوی از دواج را با آنها میداشته باشد باعث میشود منا سبتا تش با آنها کاملتر هم بخورد.

۳- زود جنگ کنید یعنی موقع ندهید که در دل تان کلوله شود و بعد بغض تان در آشپزخانه بشرد که زیر درانصورت ممکن است کار اذهنی را بر یکدیگر استعمال نمایند.

اگرچه اکثری از مطالب علمی این کتاب در باورقی آن جا داده شده باخ میگویند ممکن است بعضی منقدان آنرا طرز بسیار سطحی حل مسائل بسیار عمیق بدانند.

۵- در جنگ روی جگر خونی های روز مره و غضب های خطیر تاکتیک های مختلفی را بکار برید.

۷- اگر بر یکدیگر وارد میکردید اکنون بر سر و صدا تر می باشد.

(بقیه صفحه ۲)

ملت از غیر حاضران ولسی جرگه ...

مخالف در مجلس عوام موافقه میکنند که هر گاه در روز آینده یکی از اعضای حزبی شان حاضر و وظیفه شده نتواند از حزب مخالف نیز یک نفر غیر حاضر شود.

مسئود ماندن تالار ولسی جرگه یکی از شگفت انگیزترین اتفاقات عصر حاضر افغانستان است. هیچ دلیلی ملت را قانع ساخته نمیتواند که از ۲۰۶ وکیل صرف هشتاد نفر حاضر باشند.

در این موضوع باید تریکات انتخابات آینده گردد.

یکی از اسطوره های رایج درباره خانواد های امریکائی این است که اگر میخواهند مردم آنها را خوب بگویند باید ملفت با شدند که زن و شوهر هرگز با یکدیگر نمی جنگند.

روان شناسان و مشاوران از دواج میدهند که این طرز تفکر از حقیقت دور است و اگر به حقیقت نزدیک هم می بود برای زن و کانی سالم مرد وزن مفید نبود. دو نفر روان شناس بنام جارج باخ و پیتر وین درین اواخر کتابی تحت عنوان «دشمن شیرین» نوشته اند. او لی در کالیفورنیا مصروف کار های مربوط به تاهل است و دو می مدیر «مجله خانه خانمها» می باشد که از مجلات معروف امریکاست.

این دونو یسنده براین مفکوره که زن و شوهر «جنگره» منفور جاعه واقع می شوند شدیداً حمله کرده اند.

ایشان میگویند «زن و شوهر هر یک با یکدیگر جنگ میکنند به از دواج خود ادامه میدهند، اگر ایشان روز یکبار بجنگند سر حد شان به طلاق وجدائی نخواهد کشید» اما شرط این است که باید در جنگ خویش از انصاف کار بگیرند.

منا سقا نه اکثری از زنان و شوهران غضبی را که در برابر یکدیگر احساس میکنند در ده های خویش مد فون میسازند و آنانیکه هر چه در دل دارند بیرون میکنند از انصاف کار نمیگیرند.

باخ که در بیورلی هلز از با بت علاج دسته جمعی شوهران و زنان شاکمی کار و بارش رونق خوبی دارد میداند زنان و شوهران چگونه در جنگ از اسلحه غیر مسای استفاده میکنند.

وی میگوید از جانب دیگر عده زیادی از زنان و شوهران گرد خود قشری از صمیمیت و محبت ساختگی کشیده و در برابر یکدیگر از ریا و فریب کار میکنند.

شوهر از دفتر به خانه آمده فازه میکشد و از خانم می پرسد «چرا روزت چگونه گذشت؟»

خانم به خود قیافه مسروری داده جواب میدهد «خوب» از تسو جطور؟

شوهر میگوید «او» حسب معمول؟ وقتی ازین صحبت مختصر و مصنوعی فارغ شدند یکی به خواندن روزنامه و دیگری به تماشا تلویزیون می پردازد.

هر کدام در خلال ساعتیکه با یکدیگر میگذرانند میگویند شندنایت از قواعد باخ قرار آتی است:

۱- باخ میگوید که اگر یکی از طرفین از دواج از دیگری خیلی ناراض نگردیده باشد با فکر نکند که وی بیمار است، جنگهای زن با نی بین ایشان صمیمیت بار می آورد.

نویسنده گان این کتاب متذکر شده اند که «غضب واقعی حقیقت را بیان میکشد» دردی که از مجادله پیدا میشود به عشق را ستین و با دوام زن و شوهر می ارزند. مردم تا وقتی نمیتوانند احساسات دوستانه خود را ابراز دارند که به اظهار مخالفت ها توفیق یابند.

باخ در ظرف شش سال گذشته ۲۵۰ جوره (زن و شوهر) را طی ۱۳ هفته تحت تربیه گرفت تا بیا موزند چگونگی با یکدیگر بجنگند و از هر جوره (۴۹۲۵۰) دالر فیس گرفته است. وی یک تعداد قواعد را برای جنگ منصفا نه بین زن و شوهر بوجود آورده که بر اساس عقل استوار است. وی میگوید اگر جوره ها بعضی ازین قواعد را بکار برند میتوانند بی مزه گسهای از دواج هر کدام در خلال ساعتیکه با یکدیگر میگذرانند میگویند شندنایت از قواعد باخ قرار آتی است:

۱- باخ میگوید «او» حسب معمول؟ وقتی ازین صحبت مختصر و مصنوعی فارغ شدند یکی به خواندن روزنامه و دیگری به تماشا تلویزیون می پردازد.

هر کدام در خلال ساعتیکه با یکدیگر میگذرانند میگویند شندنایت از قواعد باخ قرار آتی است:

۱- باخ میگوید «او» حسب معمول؟ وقتی ازین صحبت مختصر و مصنوعی فارغ شدند یکی به خواندن روزنامه و دیگری به تماشا تلویزیون می پردازد.

هر کدام در خلال ساعتیکه با یکدیگر میگذرانند میگویند شندنایت از قواعد باخ قرار آتی است:

۱- باخ میگوید «او» حسب معمول؟ وقتی ازین صحبت مختصر و مصنوعی فارغ شدند یکی به خواندن روزنامه و دیگری به تماشا تلویزیون می پردازد.

هر کدام در خلال ساعتیکه با یکدیگر میگذرانند میگویند شندنایت از قواعد باخ قرار آتی است:

۱- باخ میگوید «او» حسب معمول؟ وقتی ازین صحبت مختصر و مصنوعی فارغ شدند یکی به خواندن روزنامه و دیگری به تماشا تلویزیون می پردازد.

هر کدام در خلال ساعتیکه با یکدیگر میگذرانند میگویند شندنایت از قواعد باخ قرار آتی است:

۱- باخ میگوید «او» حسب معمول؟ وقتی ازین صحبت مختصر و مصنوعی فارغ شدند یکی به خواندن روزنامه و دیگری به تماشا تلویزیون می پردازد.

هر کدام در خلال ساعتیکه با یکدیگر میگذرانند میگویند شندنایت از قواعد باخ قرار آتی است:

۱- باخ میگوید «او» حسب معمول؟ وقتی ازین صحبت مختصر و مصنوعی فارغ شدند یکی به خواندن روزنامه و دیگری به تماشا تلویزیون می پردازد.

هر کدام در خلال ساعتیکه با یکدیگر میگذرانند میگویند شندنایت از قواعد باخ قرار آتی است:

۱- باخ میگوید «او» حسب معمول؟ وقتی ازین صحبت مختصر و مصنوعی فارغ شدند یکی به خواندن روزنامه و دیگری به تماشا تلویزیون می پردازد.

هر کدام در خلال ساعتیکه با یکدیگر میگذرانند میگویند شندنایت از قواعد باخ قرار آتی است:

۱- باخ میگوید «او» حسب معمول؟ وقتی ازین صحبت مختصر و مصنوعی فارغ شدند یکی به خواندن روزنامه و دیگری به تماشا تلویزیون می پردازد.

هر کدام در خلال ساعتیکه با یکدیگر میگذرانند میگویند شندنایت از قواعد باخ قرار آتی است:

۱- باخ میگوید «او» حسب معمول؟ وقتی ازین صحبت مختصر و مصنوعی فارغ شدند یکی به خواندن روزنامه و دیگری به تماشا تلویزیون می پردازد.

هر کدام در خلال ساعتیکه با یکدیگر میگذرانند میگویند شندنایت از قواعد باخ قرار آتی است:

۱- باخ میگوید «او» حسب معمول؟ وقتی ازین صحبت مختصر و مصنوعی فارغ شدند یکی به خواندن روزنامه و دیگری به تماشا تلویزیون می پردازد.

اشخاصیکه اسم شان در ذیل درج است مستحق یک نمره زمین میباشند لطفاً فرموده ساعت ۱۰ قبل از ظهر بروز های سه شنبه در مجلس قریه کشی بریاست شهر سازی واقع تعمیر (۲۱) نادر شاه مینه حضو ربهم رسانند

اسم	ولد	نمره تذکره	محل ما موریت
نظر محمد	امیر محمد	۴۴۱۳۵	برنج فروش
عطا محمد	عبد الکثور	۱۳۳۰۱۸	بوت دوز
علی اکبر	محمد اصغر	۱۰۰۹۸۶	محصل
عبدالرزاق	عبد العلی	۴۰۳۰۷۷	فعلا عسکر
عبدالقدیر	محمد ابراهیم	۲۰۵۷۴۷	محصل
نور محمد	احمد جان	۱۱۲۹۰۵	
وزیر احمد	فقیر احمد	۱۱۵۹۶۶	سموارچی
محمد زمان	سید احمد	۱۳۰۵۹۰	
محمد کبیر	محمد ابراهیم	۲۰۵۷۴۸	دکاندار
ولی محمد	امیر محمد	۱۵۲۶۱۰	دریور
محمد علم	محمد صدیق	۶۲۴۹۸	زرگر
عبد الحمید	نور علی	۱۶۶۷۸۵	
وکیل محمد	عبد الحمید	۱۱۱۱۳۵	کلاه دوز
غلام رسول	عبد الاحمد	۱۱۹۷۵۷	
غلام محمد	غلام حسن	۱۱۰۱۱۲	غریبکار
عبد الغفور	یار محمد		رنک ریز
عبد الحکیم	عبد الحمید	۱۵۳۶۷۵	آهنگر
عبد الحمید	اسمعیل	۴۲۲۹۲۸	چوکیدار
سید رحمن	قربان	۱۱۰۰۳۵	غریبکار
حسنعلی	سید عمر	۹۰۱۵۳	بوت دوز
محب علی	کل علم	۴۹۷۳۵	غریبکار
مول راج	محمد موسی	۲۷۵۳۰	دکاندار
سید ذبیر	رام نند	۱۵۲۹۳۷	شاگرد
خان محمد	میر شهاب الدین	۱۶۰۸۸۲	عسکر
سید اشرف	محمد قربان	۴۸۶۴	دهقان
گل رحمن	سید مقیم	۵۰۶۳	ترجمان
غلام دستگیر	محمد روز خان	۱۳۱۶۵	دریور
عزیز الله	حاجی محراب الدین	۱۰۱۶۳۳	خیاط
فقیر احمد	گلاب شاه	۱۲۸۷۵	مطبعه
عبد الغنی	عبد الباقی	۲۸۰۹۰	غریبکار
فقیر شاه	بر اتعلی	۵۷۲۷۰۰	پیکار
ماه گل	عبد الباقی	۸۵۸۲۸۲	غریبکار
عبد الحسین	بابه گل		خیاطی
فقیر حسین	رمضان	۶۳۳۷۴۸	غریبکار
محمد سرور	عبد الباقی	۲۶۶۱۴	غریبکار
محمد اکرم	محمد اکبر	۸۵۷۸۷۲	
عبد اللطیف	محمد کریم	۱۰۶۲۵۰	دکاندار
در محمد	محمد حکیم	۳۸۳۳۷	خیاط
عبد الغفور	باز محمد	۱۲۳۸۵۴	خیاز
غلام سخی	فخر الدین	۱۹۹۷۰۹	مامور
محمد ایوب	عبد العزیز	۱۲۳۹۶۱	خیاط
عبد الخالق	محمد انور	۹۶۲۸۴	دوبی
فیض محمد	جمعه خان	۹۰۱۹۴۱	ماشینکار
نشان آقا	امیر محمد	۵۰۱۴۸۲	دریور
جمال الدین	محمد یوسف	۱۲۷۴۲۱	دکاندار
محمد قربان	فخر الدین	۳۱۳۴۷	غریبکار
لید احمد	محمد ایوب	۳۰۱۶۴۱	طبّاخ
	عبد الرشید	۱۰۸۴۹۹	عسکر

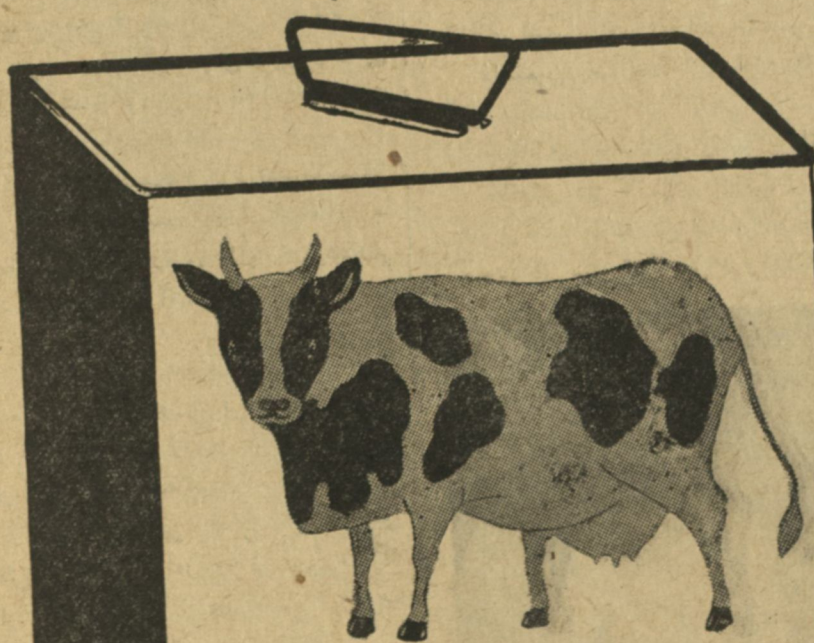
قابل توجه لاری داران

یاست اذواق یک مقدار جو اری را بولایات دور دست شمال انتقال ده. لاری دار ها و ترانسپورت هائیکه کمتر از لایحه ترا نسپورت ی به انتقال آن حاضر باشند بریاست از زاق مرا جعه نمایند.

(بقیه صفحه ۲)

مکاتیب وارده

طاقت فرسا میباشند آمدن خود رسائید و تا امروز کس لای غیر مقدور است. بناء اگر آنرا بالا نکرد. باتذکر مطالب فوق و گفتنی های زیادی که درین باره هست و درین مختصر گنجایش ندارد، آرزوی اساسی جدی و نهائی مردم از غننده علیا اینست که حکومت به وضع نابسامان این مردم از لحاظ مسئولیت ملی توجه نماید و به خاطر نجات این مردم از جنگ هیولای خونخوار جهل و بی سواد که مبارزه علیه آن شعار روز حکومت است و هم به خاطر حفظ صحت عامه مردم این سر زمین که مقامات صحی حکومت آنرا به عنوان و جایب ملی برخ مردم میکشد قدم در صحنه عمل نهاده و عملای مردم مصداق ادعا های خود را نشان ندهد زیرا نهایت خجالت آور است که در جوار مرکز تمدن یک مملکت، مردمانی وجود داشته باشند که از سالها به این طرف زندگی شان شکل زندگی مردمان قرون اولیه را داشته باشد. با احترام محمد رفیق هما



۱۰۰ فیصد خالص

روغن نباتی زرد کاو چاپ جاپانی

روغن که در دهه آلمان پسندیده زیر این روغن در دهه نباتی خالص بوده

خدا ای شکار بهر از آنچه که فکر میکنید لذت تری پزند

آدرس: تجارخانه نو دهه علی زکی - سرای بزرگ دام و روغن و دوشی های شهر

نساجی عبدالروف مقصودی
بافندگی منسوجات نخی و سندی
ABDUL RAUF MAQSUDI
TEXTILE MILLS KABUL

نساجی مقصودی محصولات جدید خود را تقدیم میدارد:

کتان بزرگ ها و جنسیت های مختلف، تکه های را هدار.

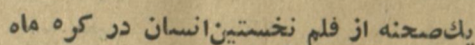
هر نوع فرمایش را می پذیرد.

نمایندگی فروش: سرای هزار گل دکان عارف و تمام دکانهای تکه فروشی کابل و ولایات.

نخستین انسان در کره ماه

محل نمایش : سمینما آریا نا

که پیمنده از تعقیب آن‌خسته
د، تا حدودی از تکلیف‌نوشته
ول وزن (نو) پیمنده بزرگ
(ا) فرانسه) استفاده شده

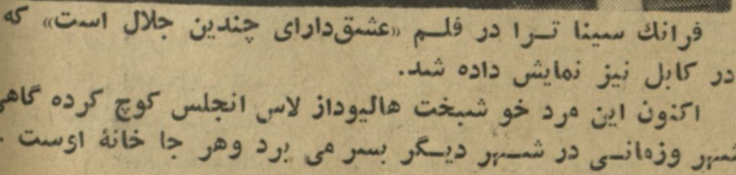


طلسم و جادو رهایی یا فته، با غلبه را آغاز میکند.

محل نمایش : سینما پارک

آخرین قدرت تمثیلی خویش کار
بگیرد. وی در غیاب همسر، جسور
بود و ایمن سعی میکند که
خواستگار آن بیباک خود را بنحوی
تریب بدهد و با شرایط سنگینی از
میانگات شان نگاهد.

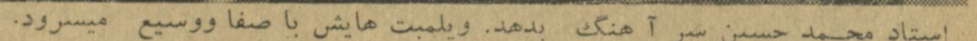
او لمس از بند ديو يك چشم و



آدرس فام بکھ - چمن حضوری عقب سٹند یوم

مغاز محمد خان، خازنه ات مقاما و ز اوت اطلاعات و کلتور

استاد سر آهنگ باز هم در هند
استقبال شایان شد



چون روز نامه کاروان تشویق هنر
نویسنده این اثر الک وایلد در سال ۱۹۰۷ در نیویارک تولد شده و در
مکتب هه سیفیل را جستجو تحصیل کرده است.

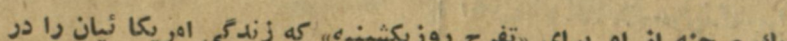
تر جمه و برای علاقمندان تقدیم
میدارد :

«تفرج روز یکشنبه» بار چه است که لحن جدی دارد اما از سبب کوتاه بودن خود میتواند بحث يك مقدمه بکار برده شود.

از افغانستان آمده شام شنبه بخوش رسید. محمد حسین سر آهنگ که

او از نوعی است که تکنیک را با

وی در سر تا سر این سلسله کنسرت ها نیز داده است.



«آنچه یکی از بهترین خوانندهای
هندی در مای اخیر نامیده می‌شود
آزدهان یک موسیقی دان مسافر که
از افغانستان آمده شام شنبه بگوش
رسید. محمد حسین سر آهنگ که
از طرف حلقه موسیقی وایل پارلی
تکلیف شده بود برای سه و نیم ساعت
شنندگان را با خوانندهای فصیح و
بلیغ خویش مسحور گردانید. موسیقی
او از نوعی است که تکنیک را با
جذابیت و آزادی را با خودداری
عنعنوی در می آمیزد.

«وی مو سیقی هند را نزد عا شق
علی خان پتیاله آموخته و کاخی را که
از دانش بر پا کرده است تمهیداً ب
سماز محکم داد.

و با محمد حسین پتور دان در طلبه
ودا تا جو گدانه در هار مونیم عمراهی
کردند. وی در بازی، مشر کا فسی،
مشرمند و بهیر وین (بیرمی) خواننده
در میان يك آ هنگ خاص افغانی را
نیز سرود.

«راگها را با حرارت و قدرت خواند
و آنها را با جرقه و رنگ خالص
کلاسیک آرایش داد. طوریکه به او
گوش میدادیم از تنوع و غنای ترنم
او متعجب می شدیم. بول ها را
با وضاحت و نغمات را با کیف و

